

ویژه

گفت‌وگویی «جام جم» با رضا محمدنی  
تهیه کننده مجموعه مستند «آبروی کوجه‌ها»

## داستان ستاره‌های پشت خاکریز



نگاه به مسابقه‌ای با محوریت فقه زندگی  
در گفت‌وگو با تهیه‌کننده آن

### محیا؛ گویای قواعد زندگی دینی



در گفت‌وگو با مهدی آذرپندار، دبیر سی و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران بررسی شد

# تأثیر گسترده جشنواره بر آینده حرفه‌ای جوانان

شگفتی آفرینی فیلمسازان جوان زیر فشار تحریم

رسانه

نگاهی به برنامه طنز شبکه ۲ سیما  
که از فضای مجازی به آنتن رسید

## واقعیت «بی بی سی» در «دی بی سی»

۸

سبک زندگی

بررسی نقش میکروسلبیته‌ها  
در جریان سازی‌های سیاسی

## وقتی «واینرها» لیدر می‌شوند!

۱۲

سینما

هنری که ۱۲۴ سال است  
علیه خود حرف می‌زند

## سانسور سینما علیه سینما در ایران

۱۰

عمق میدان

### پخش چهارم

## تحریم مداران، معترضان صالح نیستند

ریشه بیانیه‌ها و تحریم‌های سینماگران همسو با اغتشاشگران چیست؟



علیه حق است و نیروهای میانی که می‌اندیشند بدون موضعگیری سیاسی می‌توانند سینمای شرافتمندانه را دنبال کنند، سرگردان مانده‌اند. همان طور که بارها اشاره و در گفت‌وگویی در برنامه‌ای در کانال یک تأکید کرده‌ام تقلیل و تنزل جالش بزرگ امروزی و امر جهانی ایستادگی جمهوری اسلامی برابر نظام کفر محارب و مغرورن و دارای قدرت در کره زمین و رفتارهای کوچک و گروهی صغری داخلی کاملاً خطاست. البته پیامدهای برافراشتن پرچم توحید و سر فرو نیابورن و تسلیم نشدن به شیطان بزرگ ویت سرمایه داری ظالمانه جهانی در اصل ایستادگی برابر مدرنیته در تمام سطوح از جمله قلمروهای جزئی مثل سینما بازتاب می‌یابد و سینمای فیلم‌های کوتاه، جزئی از این سینماست. پس موضوع اصلا مطالبات یا واکنش منفرد و محدود گروهی و اعتراض دسته‌ای از یک صنف یا افراد جامعه و گروهی از جوانان، گروهی از روزنامه نگاران، گروهی از سینماگران، گروهی از سلبیته‌ها، گروهی از سازندگان فیلم‌های کوتاه و گروه‌های دیگر نهادهای فرهنگی جامعه نیست. نباید موضوع را دچار وارونگی کرد و تقلیل داد بلکه در اصل باید دانست تحرکات در این یا آن صنف دو صورت دارد:

۱) اعتراضات صغری که قبل و بعد از این اغتشاشات هم حق دارد باشد و هم بوده است و هم خواهد بود که مشخصات خود را دارد و ربطی به تحرکات براندازانه و اغتشاش ندارد. ما باید اعتراضات صغری را برای اصلاح امور و تکامل و پیشرفت ساختارهای حکومتی و اجتماعی به رسمیت بشناسیم. ۲) همراهی با پروژه قدرت جاعل و سلطه جو و وحشی جهانی که ۴۳ سال با انقلاب اسلامی می‌جنگد و هر بار در چهره‌های خشن ظاهر شده و از صید کردن بهترین عالمان و دانشمندان دینی و فرزندان علمی ملت از مطهری‌ها، دستغیب‌ها، سلیمانی‌ها، بهشتی‌ها، مدنی‌ها، چمران‌ها و همت‌ها گرفته تا دانشمندان هسته‌ای و... در جنگ ترویجی و پروژه‌های تروا سراسری با کشتار شریف‌ترین افراد ملت از کاسب و کارگر و کشاورز گرفته تا دانشجویان و اساتید را در برمی‌گیرد و قلمرو سیاست، اقتصاد و فرهنگ را در می‌نوردد و در هر روز به شکل تازه‌ای طراحی گشته، این جریان و این گروه در سینما به هیچ وجه معترضان صالح به حساب نمی‌آیند بلکه همدستان براندازی غرب هستند و اغتشاش‌ها هم جزئی از همین جنگ بزرگ حق و باطل است. سلبیته‌ها، گروه‌هایی از هنرمندان یا هر صنف دیگر و حتی بخشی از طبقه متوسط غربیگرا وقتی آگاهانه در این جنگ شرکت می‌کنند و افراد جاهل را به دنبال خود می‌کشند دیگر به عنوان یک حرکت جزئی اعتراضی و مستقل با خواست‌های معین، موجودیت ندارند و مطرح نیستند بلکه رهبران این تحرکات و ابزارهای داخلی جنگ تمام عیار ضد توحید با توحید، ظالم علیه مظلوم، فرعونیت علیه آزادی، سلطه خواهی علیه سلطه‌پذیری و قدرت ظلمانی جهان علیه جمهوری اسلامی شمرده می‌شوند. پس با این زاویه دید رهبران غربیگرای این اغتشاشات در یک نظام ایدئولوژیک مشترک با دشمن هستند و خود دارای خواسته‌های براندازانه علیه سلطه ناپذیری و ستیز با کفر محاربند و در واقع استقلال، آزادی، پیشرفت، عدالت خواهی و سربلندی ملت را نمی‌خواهند. در این جریان غربیگرا از زمان انقلاب مشروطه تا امروز به ویژه طی انقلاب اسلامی وجود داشته است و در برابر جریان استقلال طلب و آزادیخواه که پیروزمندانه برابر قدرت جهانی وحشی و متجاوز ایستاده عمل کرده است. از نظر ماهوی فرقی نمی‌کند این جریان با پوشش ساختارهای فاسد، خودکامه و نفع طلب یا با نقاب اصلاح طلب خائن نولیبرال در مقامات بالای قوا یا به عنوان رئیس و وکیل و وزیر و قاضی فاسد، تیشه به ریشه مقاومت بزرگ الهی بزند.

منابع ارزش‌های اسلامی از نظر ایدئولوژیک و سیاسی، جریان‌های لیبرال مذهبی و غیرمذهبی غربیگرا که پایه اجتماعی داشته‌اند در نهادها رسوخ کرده و حتی گاه راهبری قوا را به دست گرفته‌اند. نتیجه‌ای چون بیانیه تحریم فیلمسازان کوتاه را باید در این زمینه دانست. ۴) مدیریت اجرایی به سبب ماهیت خود که بیشتر اوقات در دست گرایش‌های غربیگرا بوده نهادهایی مثل انجمن سینمای جوانان را با سطحی‌ترین شیوه تأثیرگذاری و ممیزی و القای درخواست‌های رسمی عملاً به عرصه رشد نگرش‌های غربیگرا و ارزش فیلم کوتاه‌سازی با نگرش انتقادی غرب به مسائل ایران و مورد توافق جشنواره‌های خارجی تبدیل کرده است. جشنواره‌ها، دوری، آموزش‌ها، نیروهای جذاب باقیمانده در گذشته و نیروهای مدرن پنهان شده در ساختار موجود سینمای ما را همچون سینمای کوتاه و سینمای مستند و حرفه‌ای و بلند در مسیر یک سینمای پیرامونی گوش به فرمان عوامل قدرت جهانی و ارزش‌های غربی و نگاه مدرن جشنواره‌ها توسعه داده است. پس چنین تحریمی از سوی فیلمسازان کوتاه هیچ عیب نیست.

### همدستی با براندازان

اکنون می‌توانیم به این پرسش که آیا سینمای کوتاه با حق است یا برابر حق یا علیه حق پاسخ دهیم. سینمای کوتاه ایران در بخشی که وفادار به ارزش‌های آزادیخواهی و عدالت‌گستری و در کنار انقلاب اسلامی ایستاده امروز با حق است و سینمای کوتاهی که برده نظام سلطه جو شده است

نهادهای گوناگون از جمله سینما با همان ارزش‌های نولیبرالی بلکه پلبشو و بدتر از آن هرج و مرج به افق کوتاه در پرورش نیروها و ساختاردهی همچنان تأثیرش را بر وضعیت امروزی باقی نهاده. ۲) پرسش آن است در جامعه‌ای چون ایران که در آن گرایش‌های متعدد سنتی، مدرن، راست، چپ، دینی و... وجود دارد، قواعد حکمرانی در اداره سینما و سینمای کوتاه چه می‌تواند باشد؟ در این مورد هیچ کاری نشده است. اول: کاردست این آگاهی که بنا به موقعیت ماهوی جمهوری اسلامی، سینمایی که افق آن ارزش‌های غربی است. سازمان آن متکی است بر دیدگاه لیبرال و مشوق نگرش غرب و رهبری آن را به دست جشنواره‌های خارجی یا جشنواره‌های داخلی همسو با ارزش‌های غربی و افرادی با سوبه ایدئولوژی مدرن و شناخته شده می‌دهیم چه نتیجه‌ای خواهد داشت. این ساختار نمی‌تواند همسو با حکومت اسلامی نیرو تربیت کند. جوانی که فیلم کوتاه می‌سازد یک ربات نیست. انسانی است که با موقعیت اجتماعی و فرهنگی و نگرش ایدئولوژیک و سیاسی پرورش می‌یابد. زمانی که همه ارکان سینمای موجود به این جوان می‌آموزد که کدام نگاه با کدام دوری، با کدام آموزش افق پیشرفت پیشروی اوست و او را به طرف غرب هدایت می‌کند تا محتوایی تولید کند موافق نگاه مدرن، نتیجه چه خواهد شد؟ ۳) در ایران بعد از انقلاب اسلامی در سازمان جامعه ماتعارض‌های اساسی روی داده است. جریان مومن به اسلام، استقلال طلب، اینترگر در راه وطن و پیشرفت و آزادی آن تنها یک جریان بود. در همین حال نیروهای محارب با جمهوری اسلامی و اسلام، گرایش‌های رادیکال مدرن با آموزه‌های کاملاً

در بخش‌های پیشین این  
سلسله‌یادداشت‌ها درباره نسبت میان  
سینمای ایران چه سینمای بلند و چه  
سینمای کوتاه با مجموعه فرهنگی کشور و  
خاستگاه آن در دوران دیکتاتوری پهلوی  
سخن گفتیم و به اینجا رسیدیم که پس از  
انقلاب اسلامی، موج عظیم در ساخت و  
تولید فیلم کوتاه در ایران پدید آمد اما آیا  
این موج و این شمار بالای فیلمسازانی که به ساخت فیلم کوتاه در  
گوشه گوشه ایران روی آوردند، نسبتی با انقلاب اسلامی و  
آرمان‌هایش داشتند؟

پس از انقلاب باید واقعیت‌های سینمای کوتاه ایران را که جدا از واقعیت‌های کل سینمای ایران نیست درست درک کنیم. ۱) از سال ۵۷ تا امروز هیچ نگرش عمیقی درباره طراحی تحول ساختاری در سینما و سینمای کوتاهی که در زهدان مدرنیزاسیون پهلوی پرورده شد، شکل نگرفته است و نحوه اداره سینما مورد تحقیق قرار نگرفته است. عوامل گوناگون همواره تأثیر خود را در این سستی برجا نهاده‌اند. دزگیر کردن جمهوری اسلامی با بحران‌های گوناگون نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، جنگ احزاب درون نظام حکمرانی به سود غرب، نفوذ جریان غربیگر در حاکمیت، سوگیری‌های ماهوی‌شان به سمت غرب، اداره

### ویژه وظایف آثار هنری را جدی بگیریم

وظیفه‌های یک مجموعه  
نمایشی یا هر برنامه  
هنری، طرح مسائل و  
موضوعات مورد توجه  
مردم است و هرچقدر  
این پرداختن به مسائل  
مورد توجه مردم بیشتر و  
بهرتر باشد طبیعتاً مردم  
هم اقبال بیشتری به محصولات نشان خواهند داد.

هر اثر هنری، وظیفه‌اش بازتاب مسائل مختلف مخاطب مثل پرسش‌های کلیدی درباره شکل زندگی، نوع حیات، مرگ، دزگیری‌های اجتماعی، جایگاه فردیت در جامعه، مباحث متافیزیک و بسیاری موضوعات دیگر است و طرح همین وظایف بوده که باعث شده زانرهای گوناگونی در حیطه هنرهای نمایشی شکل گیرد. تکراری شدن مضامین و کم‌رنگ بودن تنوع مضامین در سریال‌ها باعث می‌شود مخاطب تمایلی به تماشای سریال‌ها نداشته باشد. این‌که می‌بینیم برخی سریال‌های اخیر برای مردمی که هیچ دغدغه‌ای ندارند به لحاظ ساختار شاید تا حدی سرگرم‌کننده باشند، ولی عمده مردم جامعه ما که مسائل اقتصادی دارند، برای‌شان دیدن این نوع سریال‌ها محلی از اعراب ندارد و احتمالاً بعد از تماشای یکی دو قسمت، قید ادامه سریال را می‌زنند.

مردمی که دغدغه‌ها نان شب‌شان را دارند نمی‌شود به زور با دیدن سریالی روتین خندانند بلکه باید سریالی تولید کرد که مخاطبان عمده بتوانند دغدغه‌های خود را در آن سریال یافته و براساس همین ملاحظات پنداری به تماشای سریال علاقه مند شوند.

گاهی سریال‌هایی ساخته می‌شود که گویا نویسنده و کارگردانش در این کشور زندگی نمی‌کنند و از اوضاع مردم خبر ندارند، چون برخی اتفاقات و حتی دیالوگ‌های سریال حکایت از آن دارد که سریال‌ساز اصلاً متوجه زمانه‌ای نیست که در آن به سر می‌برد. برای تولید آثار با کیفیت و جذاب توجه برای مردم سواي احترام به تنوع ژانری باید به مسائل مورد علاقه و خواسته مردم توجه و دقت کرد. در این تنوع ژانری آنچه بیشتر از همه مورد نیاز است این‌که در کنار رعایت الزامات ژانری از نظر داستانی و مرور وقایع، حرف‌ها و نکاتی را در دل سریال قرار داد که به درد مردم بخورد.